

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	صفحات	۱-۱۵
------------	------	--------------	-------	------

## نقش مذهب و خانواده و مشاور در موفقیت تحصیلی

آقای علیرضا شریفی

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه از دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، تهران، ایران.

### چکیده

موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد؛ در این میان، خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی و مشاور مدرسه به‌عنوان تسهیل‌گر تخصصی، نقشی حیاتی در تعیین مسیر پیشرفت دانش‌آموز ایفا می‌کنند. هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش حمایتی خانواده و مداخلات تخصصی مشاور در ارتقای عملکرد تحصیلی است. خانواده با ایجاد بستر مناسب روانی، حمایت عاطفی و نظارت هوشمندانه، زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزه درونی و خودکارآمدی دانش‌آموز می‌گردد. از سوی دیگر، مشاور با شناسایی استعدادها، مدیریت بحران‌های عاطفی و آموزشی، و ارائه راهکارهای برنامه‌ریزی هدفمند، خلأهای احتمالی در مسیر پیشرفت تحصیلی را برطرف می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل مستمر و هم‌افزایی میان «خانه» و «مدرسه» نه تنها منجر به کاهش اضطراب امتحان و افت تحصیلی می‌شود، بلکه با ایجاد انسجام در فرآیند یادگیری، زمینه را برای شکوفایی استعدادهای فردی و دستیابی به موفقیت‌های پایدار تحصیلی فراهم می‌سازد. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت آموزش والدین و نقش فعال‌تر مشاوران در ترسیم نقشه راه تحصیلی دانش‌آموزان تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: موفقیت تحصیلی، نقش خانواده، نقش مشاور، حمایت خانواده، مشاوره تحصیلی.

طبقه‌بندی: JEL، فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

## The role of religion, family and counselor in academic success

Alireza Sharifi

### Abstract

Academic success of students is a multidimensional phenomenon that is influenced by several factors; Meanwhile, the family as the first social institution and the school counselor as a specialized facilitator play a vital role in determining the student's progress. The purpose of the current research is to explain the supportive role of the family and the specialist interventions of the counselor in improving academic performance. By creating a suitable psychological platform, emotional support and intelligent supervision, the family becomes the foundation for the formation of the student's internal motivation and self-efficacy. On the other hand, by identifying talents, managing emotional and educational crises, and providing targeted planning solutions, the counselor removes possible gaps in the path of academic progress. The findings show that the continuous and synergistic interaction between "home" and "school" not only leads to the reduction of exam anxiety and academic failure, but by creating coherence in the learning process, it provides the basis for the flourishing of individual talents and achieving sustainable academic success. Finally, this research emphasizes the importance of educating parents and the more active role of counselors in drawing students' educational roadmap.

Keywords: Academic success, The role of the family, The role of the consultant, Family support, Academic counseling.

## متن مقاله

آموزشی و تغییرات سریع در نیازهای شغلی و علمی مواجه هستیم، دستیابی به این موفقیت دیگر تنها در گرو هوش یا تلاش فردی دانش آموز نیست؛ بلکه حاصل تعامل شبکه‌ای از عوامل حمایتی است. در این میان، خانواده و مدرسه دو رکن اصلی و تأثیرگذار بر فرآیند یادگیری محسوب می‌شوند.

خانواده، به‌عنوان اولین کانون تربیتی، بستر عاطفی و شناختی لازم را برای رشد کودک و نوجوان فراهم می‌کند. سبک‌های فرزندپروری، میزان حمایت‌های روانی، و نوع انتظاراتی که خانواده از دانش آموز دارد، مستقیماً بر میزان خودکارآمدی و انگیزه او اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، نظام آموزشی برای بهینه‌سازی این مسیر، نیازمند تخصصی‌سازی تعاملات است که این رسالت بر عهده «مشاور مدرسه» قرار دارد. مشاور با بهره‌گیری از دانش روان‌شناختی، به دانش آموز کمک می‌کند تا ضمن شناخت توانمندی‌های درونی، با چالش‌های آموزشی و بحران‌های عاطفی دوران تحصیل به‌درستی مواجه شود.

با وجود اهمیت این دو نهاد، چالش اصلی در بسیاری از نظام‌های آموزشی، فقدان پیوند میان اقدامات حمایتی خانواده و مداخلات تخصصی مشاوران است. اغلب دیده می‌شود که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به دلیل عدم وجود یک برنامه جامع و همسو، دچار نوسان می‌شود. بنابراین، درک دقیق سازوکارهای هم‌افزایی میان خانواده و مشاور و نحوه مدیریت این تعامل، نه تنها می‌تواند اضطراب‌های تحصیلی را کاهش دهد، بلکه نقشی تعیین‌کننده در شکوفایی استعدادها، بالقوه و موفقیت پایدار تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی ابعاد این تعامل، راهکارهایی برای ارتقای کیفیت همکاری این دو نهاد در مسیر تعالی دانش‌آموز ارائه دهد.

یافته‌های پژوهش

عمده‌ترین عوامل خانوادگی موثر در پیشرفت تحصیلی عبارتند از:

۱. شرایط عاطفی و امنیت محیط خانواده
۲. شرایط اجتماعی و اقتصادی
۳. تحصیلات و سطح فرهنگ خانواده
۴. تعداد اعضای خانواده

اکنون از بین عوامل فوق به توضیح اهم آنها می‌پردازیم:

۱. شرایط عاطفی و امنیت محیط خانواده: خانواده اولین کانون تربیتی کودکان به حساب می‌آید و کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می‌گذراند.

بهرام زاده (۱۳۷۲) به نقل از شاروک (۱۹۶۷) می‌گوید: «محیط خانوادگی بیش از بهره‌های کودکی در موفقیت تحصیلی آنها موثر است». شاید بتوان گفت مهم‌ترین عامل موثر در شکل‌گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل، خانواده است. چنانچه نگرش خانواده، نسبت به مدرسه، معلمان و درس، منفی باشد و یا بین آنچه می‌گویند و آنچه عمل می‌کنند تفاوت وجود داشته باشد طبیعی است که بتدریج فرزند آنها نیز نگرش منفی به درس و تحصیل پیدا خواهد کرد. پدران و مادرانی که درس را کاری بی‌بهره و اتلاف وقت تلقی می‌کنند همین نگرش را به فرزندان خود منتقل ساخته و برای پیشرفت درس آنها هیچ‌گونه کوششی انجام نمی‌دهند. گاهی ممکن است یک خانواده از نظر مالی و اقتصادی در حد مطلوبی باشد اما فرزندان آن خانواده به دلیل اختلاف و کشمکش‌های خانوادگی بین پدر و مادر و یا بین هر یک از اعضای خانواده که محیط خانه را به محیط ناامن تبدیل کنند، دچار افت تحصیلی می‌شود. دانش‌آموزی که در خانواده با پدر و مادر درگیر است، برای نشان دادن مخالفت خود با آنها ناخودآگاه سعی می‌کند برخلاف میل آنها رفتار کند. از این رو چون تمایل و حساسیت پدر و مادر به تحصیل را مش‌شناسد، در درس خواندن کوتاهی می‌کند. نوجوانان در سن بلوغ به علت تغییرات روحی و جسمی، به مسائلی غیر از درس و مدرسه توجه می‌کنند. ممکن است شدیداً به ورزش روی آورند یا بیشتر به فکر تفریح و گردش باشند. پسر نوجوانی عقده داشت که: درس خواندن مال دخترها است. این نوع فکر می‌تواند اثر نامطلوب بگذارد. خیر (۱۳۶۴)

و تمرین بیشتر نداشته باشد.

همچنین سطح آرزوهای دانش آموزان خانواده ثروتمند و مرفه متفاوت از خانواده های فقیر و کم درآمد است و همین تفاوت های کمی و کیفی، بالا بودن شکست های تحصیلی در طبقات اجتماعی کم درآمد را به رغم وجود سطح توانایی های برابر، توجیه می کند علت افت تحصیلی و یا ترک تحصیلی در کشورهای مختلف متفاوت است. طبق گزارش گروه مشاوران یونسکو، در هندوستان دانش آموزان بیشتر به علت کمبود لباس و عدم امکانات و شهریه، ترک تحصیل می کنند. همچنین آمار نشان می دهد که ۳۰ درصد ترک تحصیل کنندگان زن بر اثر عدم علاقه والدین به تحصیل بوده است. در فیلیپین خانواده های متعددی وجود دارند که اغلب هزینه ناچیز تحصیل کودکان برای آنها مبلغ مهمی تلقی می شود.

خانواده در تربیت اجتماعی کودک وظایف و نقش های متعددی را بر عهده دارد

که اهم آنها عبارتند از:

۱- خانواده به عنوان سیستم

۲- خانواده به عنوان معلم و الگو

۳- خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

مهمترین عامل اجتماعی شدن در زندگی هر انسان، تجارب دوران کودکی وی در محیط خانواده است. فضای خانواده آکنده از مهر و محبت، فداکاری و گذشت، صمیمیت و گرمی در عین حال گاهی توأم با رشک، دشمنی، کینه توزی، نفرت و خشم است.

کودکان در جریان اجتماعی شدن این گونه عواطف را در کنار والدین و خواهران و برادران خود تجربه می کنند. اعضای خانواده آنقدر به هم وابسته اند که هر گونه مشکل یا مسئله یک عضو خانواده به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی سایر اعضا تاثیر می گذارد. به همین علت روانشناسان بالینی گاهی در درمان یک فرد ترجیح می دهند همه ی اعضای خانواده را از نزدیک ملاقات کنند.

روانشناسان سالهاست با ابداع روش هایی ویژه کوشیده اند تاثیر خانواده را بر چگونگی رشد شخصیت روشن کنند، اما در سیر این بررسی ها با

در تحقیقی تحت عنوان ( رابطه شکست تحصیلی با زمینه ها و شرایط خانوادگی ) درصدد یافتن برخی از عوامل یا ویژگی های خانوادگی گروهی از شکست خوردگان تحصیلی بوده است. نتایج نشان می دهد که عواملی چون شغل پدر، میزان تحصیلات و والدین، حضور یا نبود یکی از والدین در خانه، وضعیت اقتصادی و اندازه خانواده از جمله عواملی هستند که با موفقیت و یا شکست تحصیلی دانش آموزان رابطه دارد.

۲. شرایط اجتماعی و اقتصادی: درصد قابل توجهی از دانش آموزانی که به طور جدی دچار افت تحصیلی شده بعضاً ناگزیر در مدارس استثنائی مشغول به تحصیل می شوند و از عقب ماندگان فرهنگی به شمار می آیند، کودکانی متعلق به خانواده هایی هستند که از تبار اقتصادی و اجتماعی فوق العاده پایین بوده تماماً با فقر اقتصادی و فرهنگی مواجه اند، از انگیزه تحصیلی بسیار پایینی برخوردارند.

از سوی دیگر در کنار فقر فرهنگی و محرومیت های محیطی، شرایط اجتماعی اقتصادی حاکم بر جامعه نیز در چگونگی تبلور انگیزه های رشد و پیشرفت با افت تحصیلی دانش آموزان نقش بسزایی دارند. دانش آموزانی هستند که از نظر بهره هوشی و جسمانی هیچ گونه ناراحتی و عقب ماندگی ندارند، اما بر اثر فقر خانوادگی، تحمل گرسنگی و کمبودها و نداشتن وسایل نمی توانند به طور مرتب در مدارس حضور یابند و درس های خود را فرا گیرند، در نتیجه دچار عقب ماندگی می شوند. در واقع فقر به سلامت و آسایش کودک لطمه می زند. وضعیت اقتصادی تعیین کننده محل سکونت است و اگر دانش آموزان به دلیل فقر مالی نتوانند محل مناسبی داشته باشند، برای انجام تکالیف و مطالعه دروس با مشکل روبرو خواهند بود. از یک طرف محل سکونت تعیین کننده نوع مدرسه ای است که کودک در آن درس می خواند. وقتی محل سکونت دانش آموز در یک محل فقیر باشد چه از نظر امکانات آموزشی و چه از لحاظ معلمان، با کمبود هایی روبرو می شوند که مستقیماً بر پیشرفت تحصیلی او اثر می گذارد. فقر مالی سبب می شود که دانش آموز از غذای کافی و استراحت لازم محروم بماند و یا برای جبران کمبودهای خود و خانواده ساعاتی از روز را به کار مشغول شود در نتیجه فرصت کافی برای انجام تکالیف ریاضی

خانواده، خانواده صرفاً ترکیب خاصی از والدین و فرزندان القا نمی شود. بلکه به خاطر افزایش طلاق، ازدواج های مجدد، وجود برادران و خواهران ناتنی، وجود نامادری و ناپدری و نیز خانواده های تک والدی برای ما شکل های متنوعی از خانواده تداعی می شود. افزون بر آن، در قرن حاضر خانواده های گسترده به تدریج جای خود را به خانواده های هسته ای داده اند ولی خانواده های هسته ای نیز خود شکل های گوناگونی دارند.

خانواده به عنوان سیستم خانواده را می توان به عنوان یک سیستم اجتماعی یا به عنوان بخشی از یک اجتماع بزرگتر در نظر گرفت، خانواده از یک سو با سازمان ها و موسسات اجتماعی مانند مدرسه، بازار و اجتماع ارتباط دارد و از سوی دیگر اعضای خانواده را در بر می گیرد، بنابر این اجتماع فرد و خانواده به صورت یک سیستم با هم در ارتباطند.

اگر خانواده به طور کامل وظایف اساسی خود را به انجام رساند، جامعه حیات خود را با استحکام بیشتری ادامه خواهد داد و سیستم خانوادگی فرد را برای وارد کردن به اجتماع و سیستم اجتماعی آماده می سازد. یکی از روان شناسان به نام هارلوک، خانواده را به صورت یک سیستم متعادل پیچیده ای تعریف می کند که با ورود هر کودک این سیستم پیچیده تر می شود.

اعضای خانواده سه نفر هستند ( پدر، مادر و یک فرزند ) در این جا سه نوع تعامل وجود دارد با اضافه شدن یک فرزند دیگر، شش تعامل خواهد آمد و اگر فرزند سومی به خانواده اضافه شود رقم تعامل به ده می رسد و با ورود هر فرزند جدید دیگر تعداد تعامل ها به همین نحو اضافه می شود. بنابر این خانواده یک نهاد انسانی رو به رشد است که حجم و پیچیدگی آن مرتب در حال دگرگونی است. و اعضای خانواده هم به عنوان فرد و هم به عنوان بخشی از واحد خانوادگی عمل می کنند.

خانواده به عنوان معلم و الگو بی تردید باید گفت که خانواده نقش ویژه ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان های اخلاقی و اجتماعی دارا می باشد، هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا فرزند به والدین و یا والدین با

مشکلات متعددی مواجه بوده اند. یکی از این مشکلات، نادیده گرفتن تأثیری است که کودکان بر والدین دارند. اکثر محققان در گذشته تأثیر رابطه میان فرزندان و والدین را نوعی رابطه یک طرفه تلقی می کردند و تنها تأثیر رفتار والدین را بر شخصیت فرزندان در نظر می گرفتند. یعنی به اثرهایی که کودکان بر کل رفتار والدین داشتند، توجه چندانی نمی شد.

مشکل دوم در مطالعه خانواده به تغییراتی مربوط است که هر چند صباح در نگرش و رفتار مردم نسبت به فرزند پروری بوجود می آید. تا نیم قرن پیش، بسیاری از والدین انتظار داشتند که فرزندان آنها بی چون و چرا از اوامر آنها پیروی کنند، ولی در حال حاضر بسیاری از والدین واقع بین دیگر چنین انتظارتی ندارند. با توجه به گسترش اطلاعات، در مورد شیوه های فرزند پروری نگرش والدین نیز در بسیاری از زمینه ها دستخوش تغییر شده است. به نظر می رسد که در قرن معاصر والدین نسبت به نیازهای فرزندان خود آگاهتر، هشیارتر، و احتمالاً به مراتب انعطاف پذیرترند.

مشکل سوم مطالعه خانواده، تبیین ارزش هاست و سنت های فرهنگی بر شیوه های فرزند پروری است. در هر فرهنگ، ارزش های غالب، الگوهای خاصی از شیوه ی فرزند پروری را در بر می گیرد در فرهنگ ژاپن شخصیت آرمانی فرد به نسبت مطیع است که به آداب و رسوم اجتماعی احترام فراوان می گذارد. در آمریکا، کودک آرمانی رقابت طلب و مستقل است در پاره ای از قبایل سرخپوست کودک مطلوب، کسی است که شجاع و نترس باشد.

به هر حال والدین ارزش های موجود در فرهنگ خود را به فرزندان منتقل می کنند، و با توجه به این واقعیت، بحث از تأثیر والدین، بدون توجه به عوامل فرهنگی از اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود.

هر فرهنگ نیز متشکل از چندین خرده فرهنگ است که وابستگان به آن از نظام های ارزشی متفاوتی پیروی می کنند. این واقعیت چهارمین مشکل مطالعه تأثیر والدین بر فرزندان است.

سرانجام مشکل دیگری که روان شناسان در مطالعه خانواده با آن مواجهند، انواع متعدد خانواده هاست. امروزه با شنیدن کلمه ی

زندگی می داند معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت و دوستی نسبت به کودک ، کتک زدن متناوب ، از شیر گرفتن زودرس ، تبعیض قائل شدن بین فرزندان ، تنبیه بیجا ، رفتار غیر معقول ، استهزا کردن ، تحقیر نمودن طرد کردن و ... می توانند امنیت کودک را خصوصاً در سال های قبل از دبستان به خطر بیندازند ، حتی محبت و ابراز دوستی مصنوعی نیز نمی تواند موجبات ایجاد امنیت را برای او فراهم آورد. (کرمی نوری و مرادی ، ۱۳۷۲).

#### ابعاد خانواده

در مطالعات متعددی که بر روی انواع خانواده ها انجام پذیرفته است، محققان به دو بعد عمده که در شکل دادن به رفتار کودکان و نوجوانان نقش مهمی دارند، دست یافته اند. بعد اول، سهل گیری در مقابل سخت گیری و بعد دوم، پذیرش در مقابل طرد است.

بعد اول: مربوط به میزان استقلالی است که والدین برای فرزندان خود فراهم می کنند. طبیعی است که خانواده های سخت گیر رفتار فرزندان خود را بیشتر جهت می دهند، از آنان توقعات بیشتری دارند، مقررات دشوارتری تعیین می کنند و انتظار دارند که فرزندان بدون چون و چرا مقررات وضع شده را رعایت کنند. برعکس، والدین سهل گیر از فرزندان خود انتظارات کمتری دارند، به آنان آزادی بیشتری می دهند و در بیان عقاید و عواطف به فرزندان خود، استقلال بیشتری می دهند.

بعد دوم: یعنی پذیرش در مقابل طرد، والدین پذیرنده کودکان را ترغیب و تعیین می کنند، با آنان روابط گرمتری دارند، بیشتر لبخند می زنند و در مجموع محبت بیشتری نشان می دهند. در حالی که والدین طرد کننده غالباً فرزندان خود را تحقیر و تنبیه نموده و از رفتار و گفتار آنان انتقاد می کنند در مواردی نیز به خواسته های آنان بی تفاوت بوده و به ندرت نسبت به آنان ابراز محبت می کنند. (دکتر حسن احدی-۱۳۲۲)

با تلفیق دو بعد می توان به چهار نوع الگوی فرزند پروری رسید: پذیرنده

یکدیگر به عنوان پایه ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فرد می توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند. کودک سخن گفتن ، راه رفتن ، آداب معاشرت ، آداب غذا خوردن ، طرز لباس پوشیدن ، نحوه برخورد ها ، مسئولیت پذیری ، مهر و صفا ، پرخاشگری ، رفتار کناره جوینه ، محبت ، شجاعت ، عاطفه ، تعاون ، کمک به دیگران ، ظلم و تجاوز و ... را از پدر و مادر خود فرا می گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک ، خصوصاً در سال های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می آید.

آلبرت باندورا و ریچارد والتزر ، دو محقق روان شناسی که به یادگیری کودک از طریق مشاهده و تقلید از والدین اهمیت زیادی می دهند در یک تحقیق رفتار والدین و رفتار فرزندان آنها را مورد مقایسه قرار دادند آنها چنین نتیجه گرفتند که : کودکان پرخاشگر دارای والدین پرخاشگر هستند و کودکان گوشه گیر دارای والدین گوشه گیر و منزوی می باشند. (کرمی نوری و مرادی ، ۱۳۷۲)

#### خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

محبت و امنیت یک از اساسی ترین ملزومات برای تربیت و رشد کودک می باشد. کودکی که خصوصاً در سال های اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم گردد ممکن است در آینده سازگاری شخصی و اجتماعی او با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخوردهای اجتماعی متناسب بهره مند نگردد.

کودک نیاز به تامین امنیت را از رحم مادر آموخته است . او بعد از تولد همچنان می خواهد که در محیط امن و آرام باشد و اساسی ترین وظیفه خانواده خصوصاً در دوران قبل از دبستان بر آوردن همین نیاز کودک می باشد. خانواده حتی این نقش مهم را در دوره های دیگر زندگی همچنان حفظ می کند. دوستان ، معلمان و همبازیهای کودک در طول زندگی ممکن است تغییر کنند ولی والدین ، تماس نزدیک خود را با کودک در طول زندگی حفظ می کنند و نقش یک نهاد ثابت و پایرجا را برای کودک ایفا می کنند. (کرمی نوری و مرادی ، ۱۳۷۲)

یکی از روان شناسان به نام هورنای که امنیت را شرط اساسی برای

در این شیوه والدین انعطاف پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود برای آنها مقررات روشنی تعیین می کنند. در عین حال آنها برای مقررات وضع شده دلایلی ارائه داده و غالباً در مورد خواسته هایشان با فرزندان استدلال می کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزندان خود حساسند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق می کنند.

ج: فرزند پروری سهل گیر

در این شیوه والدین از فرزندان خود انتظار چندانی ندارند و کودکان در بیان احساسات و رفتارهای تکانشی خود آزادی عمل دارند. چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود، به ندرت از تنبیه یا زور استفاده می کنند. در این مطالعه بارم ریند، دریافت که هر یک از سه شیوه ی فوق به شکل گیری خصوصیات متفاوتی منجر می شود. مثلاً فرزندان خانواده های قاطع متکی به خود و علاقمند به پیشرفت هستند آنها از روحیه ی همکاری بالایی برخوردارند و از لحاظ اجتماعی مسئولیت پذیرند.

— فرزندان والدین مستبد غالباً دچار تعارض بوده و نوسان خلقی دارند. این کودکان غالباً بی هدفند و در روابط اجتماعی چندان محبوب نیستند، و سر انجام فرزندان والدین سهل گیر، به ویژه پسران پرخاشجو، بی هدف، تکانشی، خود محور و عصیان گر بوده و از استقلال و خویشتنداری کمتر برخوردارند.

— دکتر علی شریعتی (۱۳۰۲)، رابطه ی اعضای یک خانواده را به سه صورت تقسیم کرد:

۱- دموکراسی: منظور از دموکراسی عاقلانه ترین و انسانی ترین راه زندگی است. در خانواده ای که دموکراسی حاکم بر روابط اعضاء آن باشد خصوصیات زیر مشاهده می شود:

در این خانواده همه افراد متناسب موقعیت و امکانات خود حق دخالت در اداره ی امور خانه و اظهار نظر درباره ی مسائل مختلف را دارند. هر یک از اعضای خانواده حق دارد درباره ی کارهای خانه بحث کند. در انتخاب هدف های زندگی خانوادگی، در اتخاذ روش های مناسب، در تقسیم درآمد خانواده، در مخارج خانه و در طرز زندگی افراد اظهار نظر کنند. حق هر یک از اعضا با مسئولیت همراه است. در این خانواده ها اصل بر این است که

ی سخت گیر، پذیرنده ی سهل گیر، طرد کننده ی سخت گیر و طرد کننده ی سهل گیر.

بدیهی است که خانواده های پذیرنده که به فرزندان خود محبت بیشتری دارند، در تضمین سلامت روانی آنان موفق ترند. بسیاری از بررسی ها نشان می دهد که ابراز محبت از طرف والدین موجب رشد سالمتر فرزندان می شود. از سوی دیگر فرزندان طرد شده از لحاظ روانی مشکلات متعددی پیدا می کنند.

با توجه به اهمیتی که خانواده در رفتار خود دارد بسیاری از روان شناسان و محققان از جمله فروم اینسکرووین، به کل فضای خانواده و ویژگی های کیفی آن اهمیت داده اند. فروم معتقد است که میزان یا کمیت وجودی پدر و مادر با کودک مطرح نیست بلکه آنچه بیشتر اهمیت دارد رشد روانی کودک و کیفیت رابطه بین پدر و مادر فرزند می باشد. (سیف نراقی ۷۳)

در واقع بسته به اینکه خانواده از چه ساختاری برخوردار می باشد، نحوه ی شکل گرفتن رفتار و خصوصیات شخصی کودک نیز متفاوت خواهد بود. گرمی، تعلق پذیرش، وابستگی شدید، آزادی، سخت گیری، مداخله و انتظارات والدین از کودکان در کیفیت این ساختار تاثیر دارد، بیان می کند. (ماسن، ترجمه ی پاشایی-۱۳۷۳)

خانم دایا بارم ریند در تحقیقی کلاسیک سه نوع الگوی فرزند پروری را بررسی کرده است. استبدادی، قاطع و سهل گیر. (برک، لورا-۱۹۹۳)

الف: فرزند پروری استبدادی (مستبدانه)

در این شیوه ی فرزند پروری کودکان در محیط خانواده با محدودیت هایی شدید مواجه هستند. آنها موظفند از مقررات خاص والدین پیروی کنند، والدین نیز از فرزندان خود خواستار اطاعت بی چون و چرا هستند و به ندرت علت خواسته های خود را توضیح می دهند، آنها بیشتر از زور استفاده کرده و برای وادار کردن فرزندان خود به اطاعت گاهی به تنبیه های شدید بدنی متوسل می شوند. طبیعی است در چنین خانواده هایی تخلف از مقررات، مجازات سنگینی به دنبال دارد.

ب: فرزند پروری قاطع

پیروی می نمایند غالباً در عالم خیال به سر می برند و از برخورد با واقعیت های زندگی خودداری می کنند. این دسته نه تنها مصالح و منافع جمعی را که در آن زندگی می کنند از نظر دور می دارند بلکه متوجه مصالح و منافع خود نیز نیستند و علاوه بر اینکه زندگی اعضای خانواده با هرج و مرج و بی نظمی همراه است در بسیاری از موارد ادامه زندگی با این وضع مشکل و در نتیجه خانواده متزلزل می شود و آثار تزلزل در رفتار بچه ها مشاهده می گردد. افراد این خانواده فردی بی بندوبار، سهل انگار، خود خواه و بی هدف هستند. میزان حاکم بر اعمال و افکار آنها نیست، احساس مسئولیت نمی کنند، قادر به زندگی اجتماعی نیستند، نمی توانند با دیگران به سر ببرند و اغلب با شکست روبرو می شوند.

### ۳- دیکتاتوری

خانواده ای که تابع اصل دیکتاتوری است معمولاً رشد بچه ها را محدود می سازد. در این خانواده یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است. این فرد غالباً پدر است در بعضی موارد ممکن است مادر نقش یک دیکتاتور را در خانه اجرا کند. گاهی هم در اثر نفوذ دیکتاتوری، خواهران و برادران بزرگتر نسبت به کوچکترها با دیکتاتوری رفتار می کنند. در چنین خانواده ای یک نفر تصمیم می گیرد، هدف تعیین می کند، راه نشان می دهد، وظیفه ی افراد را مشخص می سازد، همه باید مطابق دلخواه و میل او رفتار کنند. او فقط حق اظهار نظر دارد و دستور او بدون چون و چرا باید از طرف دیگران به معرض اجرا در آید، برنامه ی کار افراد را دیکتاتور تعیین می کند و در کوچکترین عملی که دیگران انجام می دهند دخالت می نمایند. تنها دیکتاتور از استقلال برخوردار است، ارزش کار دیگران به وسیله ی دیکتاتور تعیین می شود. آنچه را که او خوب دانست خوب است و آنچه به نظر وی بد جلوه کرد بد تلقی می شود. دیکتاتور در کارهای خصوصی اعضاء خانواده دخالت می کند و کار و تحصیل و وقت گردش و استراحت و خواب افراد را مشخص می سازد. او می تواند از دیگران انتقاد کند ولی آنچه خود انجام می دهد بدون چون و چرا باید مورد تایید دیگران واقع شود. خانواده و اعضا آن را فقط او تشخیص می دهد و دیگران باید نظر او را در این مورد قبول کنند.

بچه و بزرگ در مسائل مربوط به خود، صلاحیت اظهار نظر را دارند و در تصمیم هایی که مربوط به کار آنهاست در وضع آنها تاثیر می کنند باید شرکت داشته باشند.

خصوصیات دیگر این خانواده مربوط به روش کار آنهاست. در این خانواده پیروی از روش عقلانی مبنا و اساس کار ر تشکیل می دهد. تقسیم درآمد، تعیین مخارج، گردش و تفریح، ارتباط پدر و مادر با بچه ها و ارتباط بچه ها باهم، همه باید از روی سنجش و حزو صورت گیرد.

در هر مورد باید امکانات خانواده در نظر گرفته شود، هدف های اساسی و با ارزش که مصالح اعضای خانواده را با توجه به احتیاجات آنها تامین کند انتخاب شود. یکی از خصوصیات این خانواده همکاری اعضای آن با یکدیگر است. وقتی عده ای در انتخاب هدف شرکت داشته باشند و هدف ها را با توجه به مصالح عمومی تعیین کنند همکاری بهترین وسیله ای است که آنها را به هدف های مشترک می رساند. خصوصیت عمده ی این خانواده احترامی است اعضای خانواده نسبت به یکدیگر می گذارند. بچه هایی که در خانواده پرورش می یابند به موقع از محبت والدین استفاده می کنند، شخصیت آنها در خانه مورد احترام است و جای آنها در گروه خانوادگی مشخص و محفوظ می باشد.

### ۲- عدم در کار یکدیگر یا آزادی مطلق افراد

منظور از آزادی چنانچه مطلع و معمول باشد این است که هر کس بتواند هر کاری را که میل دارد انجام دهد و کسی حق دخالت در کار او را نداشته باشد. در خانواده هایی که آزادی به این معنی حاکم بر روابط اعضا است و هیچ یک از اعضای خانواده در کار دیگری دخالت نمی کند.

معمولاً هر فردی می خواهد مطابق دلخواه خود عمل کند. تمایلات حاکم بر اعمال افراد است. در موارد محدودی ممکن است تمایلات افراد مختلف که در یک جا زندگی می کنند در مسیرهای گوناگون باشد و با یکدیگر برخوردی نداشته باشند ولی در بیشتر موارد تمایلات افراد یک دسته یا یک خانواده باهم برخورد دارد. یکی میل دارد آواز بخواند، دیگری میل دارد بخوابد و... در نتیجه هرج و مرج و بی نظمی حاکم بر روابط اعضاء خانواده می شود و زندگی برای آنها مشکل خواهد بود. افرادی که از تمایلات خود

قسمت عمده ناسازگاری ها و اختلافات ، تضاد و تشاجر ، جنگ و ستیز و جرم و جنایت که در خانواده ها به وقوع می پیوندد و گاهی مفسد عظیم و غیر قابل جبرانی به بار می آورد از مسائل اقتصادی سرچشمه می گیرد. بر اثر امور مالی است که چه بسیار دیده می شود زنانی که از شوهران خود جدا می شوند . فرزند ، پدر و مادر خود را ترک می گوید. برادران و خواهران از یکدیگر قطع رابطه می کنند . خانواده ها بهم می ریزند و کودکان ، بی سرپرست می شوند. چنانچه ، در جامعه ای نیز یک قسمت قابل ملاحظه ای از کشمکش ها و اختلافات که بین افراد یا گروه ها اتفاق می افتد یا ملل و اقوام بشری را رو در روی یکدیگر قرار می دهد و آتش جنگ را مشتعل می سازد منشا اقتصادی دارد.

جامعه شناسان می گویند:

« اگر سؤال شود که در جامعه چه چیز سبب جنگ می گردد پاسخ قطعی دادن کار آسانی نیست. ولی اعتقاد به اینکه عامل اقتصادی سهم بسزایی در ایجاد جنگ دارد ، دلایل عینی فراوانی دارد که آنرا تایید می کند و روز به روز بیشتر می شود. »

موقعیت اجتماعی \_ اقتصادی و یادگیری

توانایی ها ذاتی یادگیرندگان به صورت های متعددی تحت تاثیر موقعیت های اجتماعی اقتصادی قرار می گیرد. انواع سنخ های شناختی فرآیندهای رشد تفکر ، خود تصویری ، روابط گروهی ، روابط معلم و شاگرد ، فرصت های آفرینندگی و کسب تجارب بطور عمیقی تحت تاثیر طبقه اجتماعی هستند که کودک در آن متولد شده و رشد یافته است به این ترتیب طبقه اجتماعی دانش آموزان در سطح دبیرستان ها و دانشجویان انجام گرفته است و معلوم شده است علی رغم کوشش هایی که برای ترغیب کودکان محروم از آموزش و پرورش برای ورود به دبیرستان و دانشگاه انجام گرفته است ، اکثریت دانش آموزان و دانشجویان از خانواده های متوسط و متوسط به بالا بوده اند. همچنین بررسی ها نشان می دهد که این قبیل نه از نظر اقتصاد تحصیلی ، بلکه از نظر توقعات و امکانات مالی والدین یا کودکان محروم از تحصیل تفاوت های مشهودی داشتند . به احتمال قوی نتیجه این بررسی ها را می توان به کشور خودمان تعمیم داد. هر چند ،

در محیط دیکتاتوری ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد. شخصیت و تمایلات و احتیاجات بچه به هیچ وجه مورد توجه نیست. احتیاجات اساسی بچه در خانواده ای که وضع دیکتاتوری برقرار است تامین نمی شود. از محبت خبری نیست با بچه مانند دیگران در مقابل دیکتاتور شخصیتی ندارد و به عنوان یک عضو قابل احترام با او رفتار نمی شود. بچه در چنین خانواده ای احساس امنیت نمی کند و وضع او همیشه متزلزل است. هدف انجام کارها را نمی داند و جرات نمی کند دلیل آنها را بپرسد. نظم و انضباط به وضعی زننده و غیرقابل تحمل در خانه رسوخ دارد. بچه هایی که در محیط دیکتاتوری پرورش می یابند در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می دهند ولی در واقع دچار هیجان و اضطراب هستند. این بچه ها غالباً در مقابل دیگران حالت خصومت و دشمنی به خود می گیرند. به بچه های همسن و کوچکتر از خود آزار می رسانند و معمولاً چون افکار و عقاید خاصی را بدون چون و چرا پذیرفته اند افرادی متعصب به بار می آیند. از به سر بردن با دیگران عاجز هستند. در زمینه ی عاطفی و اجتماعی رشد کافی ندارند. در کارهای گروهی نمی توانند شرکت کنند. اغلب متزلزل و ضعیف النفس هستند. از قبول مسئولیت خودداری می کنند. نسبت به بزرگسالان به طور کلی بدبین می باشند. در مراحل مختلف زندگی از ضعف و بی لیاقتی خود رنج می برند و غالباً در کار تحصیل نیز موفق نمی شوند.

نقش اقتصاد در خانواده

مطالبی که در این جا مورد بحث واقع می گردد در باره این است که اقتصاد چه نقشی در خانواده ایفا می کند؟ آیا تعبیر روش اقتصادی در جامعه موجب تغییر طرز تشکیل خانواده است یا نه؟ و چه اندازه باید مسائل اقتصادی در تشکیل خانواده مورد توجه باشد.

در پاسخ سؤال اول باید گفت : شکی نیست که مسئله اقتصاد یکی از ارکان اساسی در زندگی خانوادگی بشر است اقتصاد در شئون علمی و اخلاقی ، فرهنگی و تربیتی خانواده نقش بزرگی ایفا می کند. اقتصاد در خوشبختی و بدبختی ، ترقی و انحطاط ، پیروزی و شکست و عزت و ذلت خانواده ها اثر عمیق دارد.

طبقه ی اول: از افرادی تشکیل می شود که غالباً از خانواده های قدیمی هستند. ثروت موروثی دارند، کلوپ ها یا انجمن های خصوصی دارند، در کارهای اجتماعی که جنبه ی نوع دوستی دارد شرکت می کنند، در بهترین خانه های شهر زندگی می کنند، در راس سازمان های اجتماعی قرار دارند، بچه های خود را کمتر به مدارس عمومی یا دولتی می فرستند و آنها را برای تحصیل به مدارس خصوصی روانه می کنند، افراد این طبقه با هم روابط نزدیک دارند و از معاشرت با افراد طبقات دیگر خودداری می نمایند. افراد این طبقه معمولاً پول هنگفتی برای تهیه امور هنری و تفننی صرف می کنند. درآمد اکثر افراد این طبقه خوب است و فرزندان خود را پس از فراغت از تحصیل متوسطه به دانشگاه می فرستند.

طبقه ی متوسط: اساس جامعه را تشکیل می دهد ایده های این طبقه تقریباً به منزله ی ایده های ملی تلقی می شود افراد این طبقه در بیشتر سازمان های اجتماعی به عنوان اعضاء فعال شرکت دارند، صاحب حرفه و شغل معینی هستند و درآمد آنها کمتر از درآمد طبقه ی اول است. حس اعتماد به نفس، ابتکار، استقلال، قبول مسئولیت، امنیت اقتصادی و علاقه به توفیق در کارهای تجارتي در افراد این طبقه نفوذ دارد. افراد این طبقه متوسط تعلیم و تربیت را وسیله ی ترقی می دانند و به ازدواج معتقد هستند و خانواده آنها از ثبات برخوردار می باشند. دستگاه های تربیتی کشور بیشتر با احتیاجات افراد این طبقه تناسب دارد افراد این طبقه معمولاً برای استقلال بچه و موقعیت فردی، اهمیت زیادی قائل هستند. میل دارند دائماً وضع اجتماعی خود را ترقی دهند همین تمایل سبب می شود که فرزندان خود را به امر از مشاغل مهم و پیشرفت در تحصیل تشویق نمایند.

ضریب ۶۰ درصد از فرزندان خانواده هایی که در جزء اول طبقه ی متوسط قرار دارند پس از پایان تحصیلات متوسط بلافاصله به دانشکده می روند ولی در قسمت دوم این طبقه ضریب ۱۵ درصد فارغ التحصیلان متوسطه بلافاصله موفق به ادامه تحصیل می شوند.

طبقه ی سوم: از افرادی تشکیل می شود که بیشتر از دو طبقه ی دیگر با مشکلات زندگی برخورد دارند. خانواده ها در این طبقه زیاد ثابت و پابرجا

برای حصول اطمینان ، لازم است تحقیق مشابهی برای سال های اخیر انجام گیرد.

در گذشته طبقات پایین اجتماعی کمترین رغبت را برای آموزش و پرورش رسمی داشتند. فرض جامعه نیز بر این بود که آنان در پایه های تحصیلی پایین تری ترک تحصیل خواهند کرد از بیشترشان انتظار می رفت که مثل پدران و دوستان پدرانشان . کارگران دستی غیر ماهر یا نیمه ماهر با آید. بعلاوه . بیشتر خانواده های محروم در محله های پرجمعیت و یا در محله های دور دست ، که بیشتر از خانواده ای زندگی می کند که مردم آن ، اهل علم و ادب هستند و در آنجا علاقه و رغبت به بحث و گفتگو در باره اندیشه های نو ، اختراعات و اکتشافات جدید وجود دارد ، بیشتر از کودکی که در خانه وی در باره کتاب ها یا موضوع ها و اکتشافات جدیدی صحبت نمی شود آماده شرکت در بحث ها ، درک مسائل جدید و احیاناً هماهنگی و سازگاری با آنها خواهد بود.

در هر حال کودکانی که والدین آنها از تحصیلات خوبی برخوردارند ، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان علاقمندتر خواهند بود که در تحصیلات خود توفیق داشته باشند. نوعی زندگی خانوادگی نیز روی یادگیری کودک موثر است. مثلاً کودکی که با خانواده خود به بیشتر جاها مسافرت می کند . بیشتر از کودکی که تجارب مسافرتی کم و محدود دارد ، به مطالعات اجتماعی ، تاریخ و جغرافیا آمادگی دارد.

همچنین مطالعاتی که در مورد روابط میان آموزش و پرورش و درآمدها و نابرابری هایی که در خانواده ها و در نتیجه ، در مدارس به وجود می آیند انجام گرفته است نشان می دهند که هر قدر سطح درآمدها بالاتر و بالاتر می رود نمرات آزمون های پیشرفت تحصیلی نیز بالاتر می رود یعنی سطح تحصیلات کودکان و نوجوانان با درآمد خانواده آنان رابطه مستقیمی دارد. ( تقی پور ظهیر ، ۱۳۷۴ )

وضع طبقه ای خانواده در رفتار و تحصیل بچه تاثیر می کند. در هر جامعه طبقات معینی وجود دارد این طبقات ممکن است تحت تاثیر وضع اقتصادی، شغلی، حرفه، سطح تربیت، سوابق خانوادگی و بستگی به گروه های مختلف اجتماعی شکل خاصی پیدا کنند.

بکوشند، در محیط نامناسب و ناهماهنگ موفقیت چندانی نخواهند داشت. درست مثل اینکه تخم و بذراصلاح شده و مرغوب را در زمین شوره زار و غیرقابل کشت و زرع بکارند، که البته نمی تواند مراحل رشد و نمو خود را به صورت مطلوب طی کرده نضج یابد و به ثمر برسد. شریانی (۱۳۷۵، ۱۸۶)

#### شبکه خانوادگی

تجربه و آگاهی اولیه کودکان از انسان های دیگر دریافت خانواده شکل می گیرد. بعلاوه کیفیت فرآیندهای دلبستگی و پیوند میان والدین و نوزاد در ماههای اولیه زندگی، برای بهداشت هیجانی فرد بسیار مهم و حیاتی است.

خانواده عرصه ای مهم برای یادگیری درباره دنیا بوده و اجتماعی شدن کلی در آن روی می دهد. خانواده به عنوان در دسترس ترین سیستم حمایتی کودکان مدنظر قرار می گیرد. در نتیجه هر آنچه که این سیستم حمایتی را کمرنگ نماید (مانند تغییرات دوران بلوغ، جدایی پدر و مادریا بویژه سبک خانوادگی منفی) عوارض جانبی برای کارکردهای کودک، انطباق و هویت یابی او ایجاد می کند. (سلیمانپور و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۷۹)

والدین در مسئولیت شریک هستند

محیط خانواده، مدرسه فوق العاده ای است که میتواند استعداد های روانی اطفال را پروراند و به آنها درس عبرت و شخصیت و رشادت و شهامت، بخشش و سخاوت و... بیاموزد. یا برعکس صفات زشت و زذیلت و انحراف و تربیت غلط را یاد بدهد. علت اینکه مسئولیت پدر و مادر در تعلیم و تربیت فرزندان حتی از مدرسه و محیط اجتماع و دانشگاه بیشتر است، در روایات اسلامی زیادی روی آن تأکید شده است:

۱. نخست آنکه آغاز تربیت و شکل گیری کودکان در خانه است.
۲. پس به خاطر آن است که بیشتر اوقات کودکان در خانه می گذرد و بر آورد زیر گویای این حقیقت است. علمای تعلیم و تربیت با بررسی های خود، ساعتی که کودک تا سن ۱۱ سالگی زندگی میکند ۹۵ هزار ساعت بر آورد کرده اند، که تنها ۵ هزار ساعت آنرا در مدرسه و در حدود همین مقدار را خویشان و بستگان و دوستان می گذرانند، و بقیه اش در کنار پدر

نیستند. افراد این طبقه برای تعلیم و تربیت ارزشی قائل نیستند به خواندن و مطالعه کمتر علاقه دارند و در امور اجتماعی غالباً شرکت نمی کنند. خانواده ها کمتر فرزندان خود را به تحصیل تشویق می کنند. گاهی دیده می شو که افرادی در این طبقه معمولاً آنچه به دست می آورند خرج می کنند و پس انداز ندارند.

#### وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین

سطح در آمد خانواده نوع شغل پدر، میزان تحصیلات مادر عواملی را تشکیل می دهند که در تعیین سطح درآمد فرزندان تأثیر می گذارد. به هر صورتی که متغیرهای فوق را اندازه گیری کنیم به نظر می رسد که موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده اثر زیادی در درآمدهای آتی فرزندان داشته باشد.

از طرق گوناگون درآمد فرزندان تحت نفوذ موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده قرار می گیرند. برای مثال خانواده هایی که از تحصیلات و امکانات بیشتری برخوردارند، احتمالاً فرزندان خود را به سال های بیشتر از تحصیلات عادی مدرسه ترغیب می کنند و یا خانواده هایی که از درآمد بالاتری برخوردارند قدرت تحمل هزینه های سال های بیشتر تحصیل فرزندان خود را نیز دارند.

#### تربیت فرزندان و باروری ثمر بخش

داشتن فرزندان سالم و مستعد کافی نیست. تهیه و تدارک محیط مناسب تربیتی و کنترل و آموزش و پرورش آنها، هدف و غایت مطلوب است. همچنان که داشتن بذر و تخم اصلاح شده و مرغوب کافی نیست. زمین مناسب برای کشت و نور کافی و آب و کود و مواظبت و سرکشی و تحمل زحمات و تلاش و کوشش طولانی لازم دارد، تا تخم بروید و رشد کند و به ثمر آید و بار دهد. حساس ترین وظیفه والدین، تربیت کردن و بار آوردن فرزندان است. تا مطابق استعداد فطری و سرشتی و توان و نیروی بدنی خود، مراحل آموزش و تعلیم و فراگیری را طی کنند و نضج یابند و به صورت مفید و مؤثر وارد اجتماع شوند و با ایمان و اطمینان به آینده خود زندگی سرشار با موفقیت و سرور و شادی و خرسندی و رضایت خاطر را شروع کنند.

والدین هر چه مطلع و بصیر باشند و در تربیت فرزندان پر استعداد خود

۲. برخورداری از وقت آزاد و توجه والدین: اولیاء شاگردان زرنگ بخصوص مادران آنها وقت بیشتری را صرف می کنند برای تعلیم و تربیت فرزندان خود، ویا بیشتر به صحبت و بازی می پردازد و به او جرأت اظهار نظر و عقیده و شرکت در تصمیم گیری می دهند. بنابراین محیط خانه و برنامه های زندگی خود را طوری تنظیم می کنند که به رشد و تعالی این تواناییها طی شود.

۳. توافق اولیاء در مورد مسائل تربیتی: در اکثر خانواده هایی که مورد مصاحبه قرار گرفتند به نظر می رسد که پدر و مادر در مورد مسائل تربیتی توافق دارند و کمتر اتفاق می افتد که پیشنهاد مادر و راه و روش تربیتی او مورد سرزنش و انتقاد پدر خانواده قرار گیرد یا برعکس.

۴. تحمل والدین در مقابل سروصدا و ریخت و پاش کودکان: اولیاء دانش آموزان پیشرفته اکثراً در مورد سروصدا و ریخت و پاش کودکان تحمل بیشتری در خود نشان می دهند، ویا اینکه به نظم و ترتیب خانه توجه دارند، اما شادی و آرامش کودک برایشان اهمیت بیشتری دارد و به آثار مثبت تربیتی بازی در رشد کودک واقف هستند و با تذکرات سازنده آنها را متوجه می کنند. والدین این دانش آموزان، فرزندان را طوری عادت می دهند که پس از پایان بازی و کارهای درسی به تناسب سن و توانائیشان به مرتب کردن و نظافت محیط خود و اطراف خود بپردازند.

۵. تحمل اولیاء در مورد عدم اطاعت کودکان از بزرگسالان: اینکه هر دو دسته اولیاء نسبت به عدم اطاعت کودکان از پدر و مادر و بطور کلی بزرگسالان حساس بوده و هستند، ولی اولیاء کودکان ضعیف بطور محسوسی کم تحملتر و حساستراز دسته دیگر به نظر میرسد.

۶. عکس العمل اولیاء در مقابل انتظارات و توقعات فرزندان: والدین شاگردان زرنگ از قدرت تشخیص بیشتری برخوردار بوده و می توانند بدون ابراز خشونت، در مقابل توقعات زیاد فرزند خود مقاوم و باثبات باشند در حالیکه والدین شاگردان ضعیف گاهی خشن و زمانی تسلیم و نامطمئن و متزلزل بنظر می رسند. (بصیری، ۱۳۷۱، ۷۱)

نتیجه گیری

و مادر در خانه اش می گذرد.

خواندن و بطور کلی یادگیری، مستلزم وجود شرایط اولیه و ثانویه است. شرایط اولیه یعنی استعدادهای نفسانی مثل هوش، حافظه، سلامت بدن و شرایط ثانویه مانند محیط مناسب، آرامش روانی و... وسائل ضروری که همه اینها بهر حال به والدین ارتباط دارند.

والدین مهمترین افرادی هستند که می توانند روحیه آموزشی و فرهنگی را در کودکان خود برانگیزند.

طی تحقیقاتی که انجام گرفته در مورد سوال «محرک تو در موفقیت در مدرسه و مسائل آموزشی چیست؟» بین ۸۵٪ از موفق ترین دانش آموزان پاسخ دادند «والدینم»

به این مسئله توجه کنید که آنها نگفتند «پدرم» یا «مادرم» بلکه آنها مشترکاً والدین را در این امر شریک می دانند.

در اکثر موارد، همکاری و تشریک مساعی پدر و مادر است که دانش آموزان موفق را به وجود می آورد. گاهی یک پدر ترقی خواه، مادر قدرتمند، عمویا دایی فهمیده و حتی یک همسایه و دوست می تواند آتش موفقیتهای تحصیلی و آموزشی را در کودکان شعله ور سازد.

به نظر می رسد که طرز فکر خوب و گرایش والدین نسبت به مدرسه مهمترین عاملی است که در موفقیت و یا شکست تحصیلی دانش آموز اثر می گذارد. جالب است که بدانیم والدین، لازم نیست هر کدام تأثیر مساوی و برابر روی کودک داشته باشد. ولیکن نفوذ و اثر هر کدام از آنها باید سازنده باشد.

کودکان از پشتیبانی و کمک پدر و مادر خود مطمئن هستند، و در خانه های موفق یکی از والدین پدر یا مادر در انجام تکالیف راهبری کرده و دیگری پشتیبانی ضمنی از کودکان دارد. (زارع زاده، ۱۴، ۱۳۷۲)

تفاوت محیط زندگی دانش آموزان زرنگ یا پیشرفته با ضعیف

۱. برخورداری دانش آموزان ساعی از محیط گرم و باثبات خانوادگی در خانواده شاگردان پیشرفته اختلاف نظر و عقیده و جرو بحثهای بیهوده که می تواند مولد اضطراب و ناآرامی در کودک گردد، کمتر وجود دارد، بطور کلی محیط خانوادگی آرام و پرتفاهم است.

کمک می کند برای مشکل خود راه حلی بیابد ، نه آنکه تصور کند مشکل او چاره ندارد و به درماندگی ، ناامیدی و استیصال برسد .

حل مساله در واقع به فرایند شناختی - رفتاری ابتکار فرد ابتکار ی فرد اطلاق می شود که بوسیله آن فرد می خواهد راهبر های مؤثر و سازگارانه مقابله ای برای مشکلات روزمره را تعیین ، کشف یا ابداع کند . به عبارت دیگر ، حل مساله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی و نشانه شناسی روانی را کاهش می دهد (دزوریلا و شیدی ، ۱۹۹۲) . حل مساله مستلزم راهبردهای ویژه و هدفمندی است که فرد بوسیله آن مشکلات را تعریف می کند ، تصمیم به اتخاذ راه حل می گیرد ، راهبردهای حل مساله را انجام داده و بر آن نظارت می کند (الیوت و همکاران ، ۱۹۹۵) .

بنابراین حل مساله در بر گیرنده حوزه های عاطفی ، شناختی و رفتاری است . هیجان ها اغلب اولین نشانه وجود مساله ولزوم حل آن هستند ، شناخت در جریان شناسایی مساله ، طرح ریزی راه حل های احتمالی و پیامدهای آنها و برنامه ریزی برای اجرای بهترین راه حل مورد استفاده قرار می گیرد و سر انجام برای تکمیل این سیر تسلسلی باید از مهارت های رفتاری استفاده شود .

اگر چه فرایند تا حدی پیچیده است ، اما زمانی که به مراحل مختلف تقسیم شود ، به نحو موفقیت آمیزی قابل آموزش است . دزوریلا و گلدفراید ، برای اولین بار ، الگوی مرحله به مرحله را برای آموزش حل مسئله پیشنهاد کردند (دزوریلا و گلدفراید ، ۱۹۷۱) .

افراد در برخورد با مشکلات ، در هر سطحی از پیچیدگی و اهمیت که باشند با یکدیگر تفاوت هایی دارند . بسیاری از مواردی که از نظر بالینی رفتار ناهنجار یا اختلال هیجانی نامیده می شوند ، می توان به تغییری بهتر ، رفتار غیر مؤثر با پیامدهای منفی آن دانست . حل مساله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که می تواند فرد را قادر سازد تا موقعیت های مشکل آفرین زندگی روز مره و تأثیر هیجانی آن ها را به خوبی مهار کند . و از طریق تنیدگی روانشناختی را کاهش دهد ، به حد اقل برساند و یا پیشگیری نماید (دزوریلا و شیدی ، ۱۹۹۲) . بنابراین حل مساله ، روشی است که افراد می توانند در مواقع طرح ریزی برای برخورد با چالش های زندگی از آن استفاده کنند .

مهارت حل مساله یک مهارت مقابله ای کاربردی و عملی بوده و از نظر روانشناختی نیز مفید و مؤثر است ، چنانچه استفاده از روش های حل مساله موجب افزایش اعتماد به نفس در افراد شده و احساس شایستگی و تسلط به مشکل در فرد تقویت می شود

(هینر ، هیلبراند ، ۱۹۹۱) . در حالی که حل ناقص یا گروه های ناگشوده ، بهداشت روان شخص رابه طور جدی تهدید خواهد کرد . همچنین حل مساله یک مهتر حیاتی برای زندگی در عصر حاضر است . امروزه در تمامی فعالیت ها ، صاحبان امر به سوی مهارت های تفکر سطح بالا و حل مساله چه در حیطه عمومی و چه در حیطه فناوری ، خواه در فعالیت های سالم و خواه در فعالیت های مساله دار فرا خوانده می شوند . در اغلب جوامع ، همه براین عقیده اند که باید بر افزایش مهارت های حل مساله تأکید شود (وو و همکاران ، ۱۹۹۶) . مزیت حل مساله آن است که به فرد

## منابع

- رامشت . مریم ، فرشاد . سیامک (۱۳۸۳) ، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی در پیشگیری از سوء مصرف مواد دانشجویان ، ارائه در دومین سمینار بهداشت روان دانشجویان اسفند ۱۳۸۳ .

<http://counscling.ut.ac.ir>

- رمضانخانی . علی ، سیاری علی اکبر (۱۳۷۸) بررسی وضعیت آموزش مهارت های زندگی در نظام آموزش و پرورش ، گزارش تحقیق دفتر یونسف در ایران و دفتر مطالعات بین المللی وزارت آموزش و پرورش .

- دفت . ریچارد ال (۱۹۹۹) مبانی تئوری و طراحی سازمان ، مترجم علی پارسایان و سید محمد اعرابی ، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۸ .

- دلور . ژاک (۱۳۷۵) یادگیری گنج درون ، ترجمه فاطمه فقیهی و علی رئوف ، تهران ، پژوهشکده تعلیم و تربیت ، تک نگاشت .

- اسپینگتون . اندورا (۱۳۷۹) ، بهداشت روانی ، ترجمه حمید رضا حسینشاهی برواتی ، تهران ، انتشارات روان .

- سازمان جهانی بهداشت (۱۳۷۷) برنامه آموزش مهارت های زندگی ، ترجمه ربابه نوری قاسم زاده و پروانه محمد خانی ، تهران ، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور .

- سرمد . غلامعلی (۱۳۷۸) روابط انسانی در سازمان های آموزشی ، انتشارات سمت ، تهران .

- شاهرکنی . سید حبیب الله ، (۱۳۸۰) راهکارهای رویارویی با تعارض ، ماهنامه توسعه مدیریت ، شماره ۳۴ .

- شریعت یار . ربابه (۱۳۸۳) بررسی رابطه بین جرأت مندی و شیوه های حل مسأله در دانشجویان مقطع کارشناسی مقطع تبریز ، پایان نامه کارشناسی روانشناسی بالینی ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه تبریز .

- شفیق آبادی . عبدالله ، ناصری . غلامرضا (۱۳۷۵) نظریه های مشاوره و روان درمانی ، مرکز نشر دانشگاهی تهران ، چاپ پنجم .

- صافی . احمد (۱۳۷۹) " آموزش و پرورش ابتدایی راهنمایی و متوسطه ، تهران ، انتشارات سمت .

- طارمیان . فرهاد ، مهجویی . ماهیار ، فتحی . طاهر (۱۳۸۳) مهارت های زندگی : کتاب راهنمای اجرای فعالیت های پرورشی دوره متوسطه ، تهران ،

- ادیب . یوسف ؛ فردانش . هاشم (۱۳۸۲) مهارتهای زندگی مورد نیاز دانش آموزان مقطع راهنمایی ، مجله دانشور رفتار ، دانشگاه شاهد ، سال دهم ، دوره جدید ، شماره ۳ ، اسفند ۱۳۸۲ .

- احمدی زاده . محمدجواد (۱۳۷۳) بررسی اثر بخشی آموزش مهارت حل مسأله بر برخی از ویژگی های شخصیتی نوجوانان تحت پوشش مراکز شبانه روزی بهزیستی ، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی ، دانشکده علوم تربیتی ، دانشگاه علامه طباطبایی .

- اسماعیلی . علی (۱۳۸۳) هنجاریابی آزمون SCL-90-R و مقایسه سلامت روانی دانشجویان دانشگاه های تهران به منظور ارائه خدمات مشاوره های مناسب ، بانک اطلاعات بهداشت روانی دانشجویان .

[www.iransco.org](http://www.iransco.org)

- باباپور خیرالدین . جلیل ؛ رسول زاده کاظم ؛ اژه ای . جواد ؛ فتحی آشتیانی . علی (۱۳۸۲) بررسی رابطه بین شیوه های حل مسأله و سلامت روانشناختی دانشجویان ، مجله روانشناسی علمی - پژوهشی ۲۵ ، سال هفتم ، شماره ۱ ، بهار ۱۳۸۲ .

- باباپور خیرالدین . جلیل (۱۳۸۱) بررسی شیوه حل مسأله و حل تعارض و سلامت روانشناختی در میان دانشجویان ، پایان نامه دکتری روانشناسی ، دانشگاه تربیت مدرس تهران .

- باباپور خیرالدین . جلیل (زیر چاپ) بررسی تأثیر مدیریت تعارض بر سلامت روان شناختی ، مجله روانشناسی دانشگاه تبریز .

- باباپور خیرالدین . جلیل ؛ صبحی قراملکی . ناصر (۱۳۸۰) اختلالات یادگیری ، چاپ اول ، انتشارات سروش ، تهران .

- بولتون . رابرت (۱۳۸۱) روانشناسی روابط انسانی ، ترجمه حمید رضا سهرابی ، تهران ، انتشارات رشد .

- پوپ . ایس ؛ مک هال سوزان ؛ کرای هد ادوارد (۱۳۷۳) افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان ، ترجمه پریسا تجلی ، تهران انتشارات رشد .

- حیدری تفرشی . غلامحسین ؛ یوسفی سعید آبادی . رضا ؛ خدیوی . اسدالله (۱۳۸۱) نگرشی نوین به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز ، تهران ، انتشارات فراشناختی اندیشه ، چاپ اول .

افسرده و مقایسه آن با افراد عادی، مجله علوم روانشناختی، جلد اول، شماره اول، ۴۲-۲۴.

- میرزاده. میر حمایت (۱۳۸۱) بررسی عوامل مؤثر در پایین بودن سطح مهارتهای زندگی دانش آموزان ابتدایی از نظر معلمان و اولیای دانش آموزان، تبریز، شورای تحقیقات آذربایجان شرقی.

- ناصری. حسین، نیکپور. ریحانه (۱۳۸۳) بررسی اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی بر بهداشت روانی دانشجویان، سازمان بهزیستی کشور، ارائه در دومین سمینار بهداشت روان دانشجویان در اسفند ۸۳.

<http://counsling.ut.ac.ir>

- نوری. ربابه (۱۳۸۱) مهارت حل مسأله، تهران از انتشارات معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.

- وود. جولیا (۱۳۷۹) ارتباط میان فردی، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران، انتشارات مهتاب.

- هارچی. اون؛ ساندرز. کریستین؛ دیکسون. دیوید (۱۳۷۷) مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، تهران، انتشارات رشد.

انتشارات برگ نفیس.

- فرگاس. جوزف. پی، (۱۳۷۹)، روانشناسی تعامل اجتماعی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، چاپ دوم، تهران، انتشارات ابجد.

- فنسترهایم. هربرت؛ بر. جین (۱۳۷۳) روانشناسی آموزش فاطمیت، ترجمه عباس چینی، چاپ اول، تهران، نشر البرز.

- کارتلیج. جی؛ میلبرن. جی. اف (۱۳۷۲) آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمد حسین نظری نژاد، مشهد، انتشارات آستان قدس.

- کرمانی. میر جواد (۱۳۸۱) بررسی عوامل مؤثر در پایین بودن سطح مهارت های زندگی دانش آموزان ابتدایی استان آذربایجان شرقی / چکیده نامه پژوهشی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۲.

- کلینیکه. کریس. ال (۱۳۸۰) مهارت های زندگی، ترجمه شهرام محمد خانی، تهران، انتشارات سپند هنر.

- کنرلی. هلن (۱۳۸۲) اختلالات اضطرابی، ترجمه سیروس مبینی، تهران، انتشارات رشد.

- کیامنش. علیرضا (۱۳۷۹) سنجش صلاحیت های دانش آموزان پایه پنجم دبستان، گزارش تحقیق، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

- محمدی فریده؛ صاحبی. علی (۱۳۸۰) بررسی سبک حل مسأله در افراد